دریا کنار

صدای پرطنین مردم استان بوشهر

سال دوم شماره ۱۴ پنجشنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۹۹ ۲۸ محرم ۱۴۴۲ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۰ قیمت ۲۰۰۰ تومان

روزنامه‌نگاری یعنی انتشار خبری که نمی‌خواهند منتشر شود، باقی کارها کار روابط عمومی است . (جرج اورول)

مدیر کل آموزش فني و حرفه اي بوشهر:

لازمه رسیدن به اهداف کلان کشور در گروي برنامه‌ریزي‌صحیح و کاربردي است

۲

پیام تبریک آیت الله صفایی‌بوشهری

به نماینده ولی‌فقیه در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

۲

برخورد قاطع سربازان گمنام امام زمان (عج) با فساد:

شورای شهر بوشهر ۲ - ۵ شورای شهر ساری

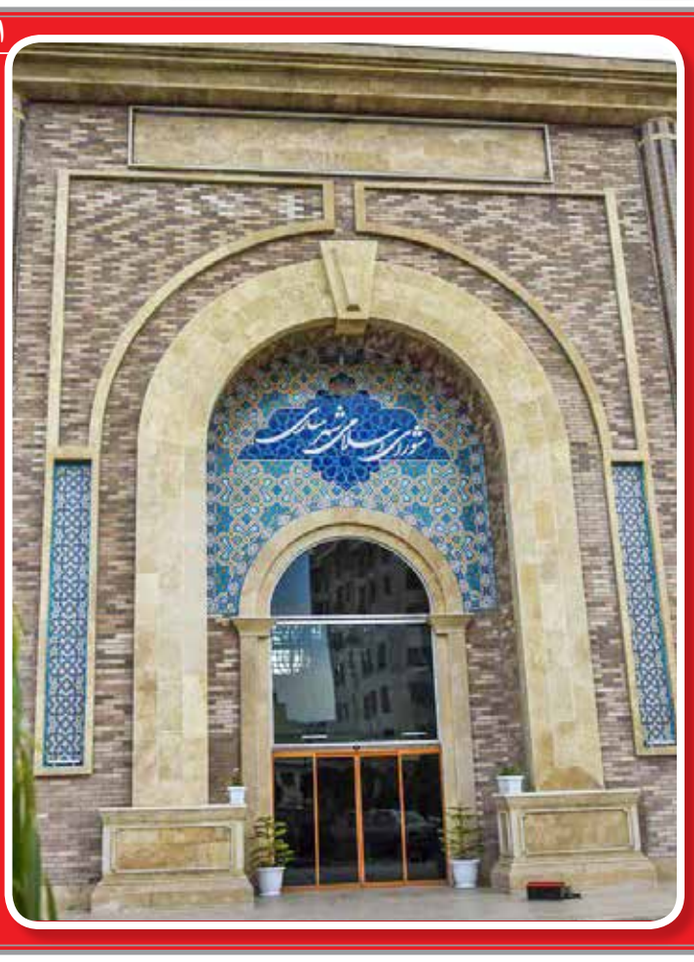

سخن مدیر مسئول

رســـانـه و نـارسـانـه

به‌نام‌مقام‌متعال

افراد بسیاری از ویژگی انتقال اطلاعات و هدایت‌هدفمندآن‌به‌افراد گوناگون برخوردار هستند. اما در فرآیند امتیاز دهی، مجموعه برخی از این افراد «رسانه» و عده ای «نا رسانه» نامیده می شوند، برای روشن شدن مفهوم این تفاوت برخی نکات را بایستی مدنظر قرار دهیم. بعنوان مثال مطلبی بین دومجموعه با دیدگاههای متفاوت قرار گرفته است. مجموعه ای که مطلب را بدون در نظر گرفتن منافع شخصی و جانبه گرایی نشر می دهند رسانه نامیده می شود و برعکس، مجموعه ای که بواسطه برخی امور خارج از عرف مطلب را در مورد دخل وتصرف قرار می دهند، نارسانه نامیده می شوند.

برخی از مواردی که بر وجود رسانه دلالت کامل و وافر دارند؛ شامل اخلاق حرفه ای، وجدان کاری، اصالت، تعهد، اعتبار و در نظر گرفتن منافع جمعی می باشند، بنابراین در بهبود فضای نشر وتوزیع اخبار از تاثیر بسزایی برخوردار می باشند.

عوامل بروز نارسانه های متداول عبارتند از: در نظر گرفتن منافع شخصی، وابستگی مالی و جایگاهی، عدم برخورداری از تعهد کاری و مهم تر از همه فساد رسانه ای که همگی مانع عبور جریان صحیح رسانه ای در سطح جامعه می باشند.

بطور کلی تفاوت بین رسانه و نا رسانه در ساختمان آن ها نهفته است. رسانه ها به دور هسته تعهد کاری در چرخشند، آن دسته که از این هسته دور هستند تحت اثر نیروی جاذبه مالی و جایگاهی قرار می گیرند، همچنین نارسانه ها که در لایه‌های پایین تری از رسانه ها هستند که همواره جامعه آنها را دفع می کنند، بنابراین به راحتی می توانند از قید تعهد کاری فرار کنند. امید آن داریم، مجموعه های مستقر در امور اطلاع رسانی به مسیر رسانه بودن گرایش پیدا کنند و همواره در مقابل نارسانه ها موضع گرفته وموجبات پایان یافتن سیطره ایشان را فراهم نمایند.

مهران سلطانی نژاد
مدیرمسئول

دکتر محمدحسین امید

در نشست رسانه ای :

ثبت نام از متقاضیان تحصیل در دانشگاه جامع علمی کاربردی تا ۱۷ مهرماه ۹۹ تمدید شد

۲

ماجراهای آقای نیرنگ زاده؛

نیرنگ زاده و فرهنگ خلبوس

۲

٤

جلسه کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی با دستور کار پروژه راه آهن بوشهر - شیراز

شایسته سالاری

نویسنده: فهیمه مستفشار

ندهد هوشمند روشن رای
به فرومایه، کارهای خطیر
بوریا باف گر چه بافنده است
نبرندش به کارگاه حریر

مدتی سوالی ذهنم را درگیر خودش کرده بود؛ و آن این بود:

شایسته ، سالار است یا سالار ، شایسته است؟

متخصصین، نخبگان، اهل دانش و کوشش، اهل فرهنگ و هنر ، نوابغ یا مفاخر و یا طلبه های محترم زیادی از ذهنم گذشتند که همگی از شایستگانی بودند که سالار شدند یا به قول فرنگیها کاپیتان شدند.

این از شایستگانی که بواسطه هوش، کوش و پیمودن مراتب انسانی، معنوی، تحصیل و تفحص سالارمی شوند و مایه مباهات.. کُرسی متناسب با این شایستگان چقدر امنیت می دهد به َما و چقدر به خودشان می آید.

اما می ماند سالار هایی که شایسته می شوند.. اینها چه‌کسانی هستند؟ مامیشناسیمشان؟

بله ما آنها را با تمام سِبقه شان، خوب میشناسیم اما اینها ما را به جا نمی آورند!

در محله ما جوانی را میشناسم که گیمر است . الحق و الانصاف یَدِ طولایی در انواع بازیهای رایانه ای دارد اما او شایسته سالار شدن بر من و توست؟ شاید بالفطره باشد اما بالفعل نه چرا؟ چون فقط خوب بازی میکند و از همه شما می خواهم فقط را تاکیدی بخوانید که این کلمه فقط؛ در همه سالار هایی که شایسته نیستند صدق می کند.

او فقط خوب می دود..فقط خوب حرف می زند.. فقط دانش خوبی دارد.. بوریا باف گر چه بافنده ست؛ نبرندش به کارگاه حریر...

اما می ماند یک سوال مهم: پس چه چیز کم دارند اینها؟ اندیشه من در جواب میگوید: انصاف؛ میهن پرستی، نوعدوستی و تمام سجایای اخلاقی که تو را شایسته بکند نه سالار که اگر تو شایسته بشوی؛ جامعه سالار بودن تو را خواهد پذیرفت و من به حضور و ظهور شایسته های سالارافتخار خواهم کرد.

قدیمی ترها میگفتند: کار را باید به کاردان سپرد و این یعنی شایسته سالاری!

شیخ اجل،سعدی(علیه الرحمه)
چنین سروده در وصف شایسته سالاری:
به خردان مفرمای کارِ درشت
که سندان نشاید شکَستن به مشت
نخواهی که ضایع شود روزگار
به ناکاردیده، مفرمای کار!

درود به تمام شایستگانی که سالاری می کنند بدون ادعا و بی ریا.. صدها درود به شایسته خادمانِ این میهن!

برخورد قاطع سربازان گمنام امام زمان (عج) با فساد:

شورای شهر بوشهر ۲ -۵ شورای شهر ساری

به قلم:
مهران سلطانی نژاد

نظر به اطلاعیه روزهای اخیر دادسراهای عمومی و انقلاب مراکز استانهای بوشهر و مازندران مبنی بر دستگیری دو عضو شورای شهر بوشهر (جنوب) و پنج عضو شورای شهر ساری (شمال)؛ درباره تخلفات مالی در شهرداری دو مرکز استان، می توان به چند وجه تشابه پی برد که اولین مورد آن مبارزه با فساد از شمال تا جنوب در اولویت کاری قرار گرفته است، دومین موردی که شایسته بحث و بررسی می باشد، دخل و تصرفهایی که اعضای شورای شهر می توانند در امور شهر و شهرداری داشته باشند، آیا نبایستی در قانونهای مربوط به جایگاه شورا و شهرداری تجدید نظر هایی صورت پذیرد؟ آیا نظارت در امور شورا و شهرداری نبایستی با دقت و جسارت بیشتری صورت پذیرد که شاهد اتفاقات این چنینی باشیم؟ از این موضوعات که بگذریم، دقت در انتخاب اعضاء از سوی مردم باید مورد توجه قرار گیرد و به راحتی به افرادی که با مرور زمان وعده و رسالت خود را نسبت به شهر و مردم فراموش کرده، اعتماد نکنیم و عبارتهای عبرت آموز را به فراموشی نسپریم. از آنجایی که گمانه زنی ها در این خصوص ادامه دارد اما نظر به برخوردهای صورت گرفته و واکنش مثبت مردم نسبت به مبارزه ادامه دار با فساد (از شمال تا جنوب)، واکنش سربازان گمنام امام زمان (عج) را نمی توان نادیده گرفت، باشد که تا ریشه کن نمودن فساد، سرافراز و استوار باشند.

شایان ذکر است شورای شهر هر کدام از مراکز استان دارای ۹ عضو بوده و شورای شهر ساری با دستگیری پنج نفر از ۹ عضو شورا، شورای شهر ساری از نصاب افتاده ونمی تواند تشکیل جلسه دهد و تصمیم گیری درباره فعالیت این شورا بر عهده قانون است .

تقدیر از نیروهای اورژانس شهر برازجان و بخش آبپخش

به مناسبت روز اورژانس و فوریت های پزشکی فرماندار دشتستان از نیروهای اورژانس شهر برازجان و بخش آبپخش تقدیر نمودند

نوروزی فرماندار دشتستان در این مراسم بیان داشتند: اورژانس از پیشگامان حوزه سلامت هستند و در ماموریت های خود در شهرستان موفق عمل کردند، اورژانس علاوه بر وظایف ذاتی خود در اعزام بیماران کرونایی نیز نقش خود را به خوبی ایفا کرده اند

به مناسبت روز اورژانس و فوریت های پزشکی، فتح اله فرماندار دشتستان از نیروهای اورژانس شهر برازجان و بخش آبپخش به نمایندگی از نیروهای اورژانس شهرستان ،با همراهی زراعتگر معاون سیاسی امنیتی فرمانداری، سرهنگ آراوند فرمانده انتظامی ، ترک زاده معاون شبکه بهداشت و درمان شهرستان، شبانکاره رییس اوژانس شهرستان ،تنگ ارمی بخشدار آبپخش، تقدیر نمودند.

چگونه کارکنانی شادتر بسازیم

قسمت دوم

مفهوم شادی بین مردم تفاوت بسیاری دارد و همه آنها به یک شکل، قضیه را نمی‌بینند. برخی از ما، زمانی که می‌گوییم می‌خواهیم شاد باشیم، منظورمان آن است که می‌خواهیم احساس آرامش و آسودگی داشته باشیم. با این نگاه، استرس نداشتن و آرام بودن، به‌عنوان شادی در نظر گرفته می‌شود. اما افراد دیگری هستند که می‌گویند: می‌خواهم هیجان‌زده و برانگیخته باشم. اگر چنین احساسی داشته باشم، شاد هستم.

ممکن است افراد دیگری وجود داشته باشند که برای شاد بودن نیاز داشته باشند که الهام بگیرند یا دچار بهت و حیرت شوند. برخی از افراد می‌خواهند که به آنها بها داده شده و مورد قدردانی قرار گیرند؛ در حالی که دیگران تنها امنیت شغلی می‌خواهند.

این تفاوت‌ها، بنیان نظریه‌ای است که آن را تنوع احساسی می‌نامیم: کلیت این نظریه آن است که شادی برای هرکدام از ما معنای متفاوتی دارد و از این‌رو، هر برنامه‌ای که بخواهد رویکرد واحدی برای شادسازی همه کارکنان در پیش بگیرد، محکوم به شکست است. ما معتقدیم شاد بودن به معنای داشتن همان احساسی است که می‌خواهید داشته باشید و این احساس برای افراد مختلف، تفاوت دارد. زمانی که سازمان‌ها، برنامه‌های شادی یکسانی را آغاز می‌کنند، لزوما همان تجربیات و احساسی را که کارکنان به آنها نیاز دارند، ایجاد نمی‌کنند.

»پس شادی نیازمند شخصی‌سازی است؟

اگر شما نگاهی به گفت‌وگوهای رهبران منابع انسانی در مورد به‌کارگیری هوش مصنوعی بیندازید، در بسیاری از مواقع می‌بینید که بحث تجربیات شخصی افراد از یک موضوع واحد مطرح می‌شود. آنچه من می‌گویم، آن است که ما نه‌تنها در اجرای برنامه‌های خود (برنامه‌هایی مانند پیاده‌سازی هوش مصنوعی) باید به مهارتها و توانمندی‌های کارکنان نگاه کنیم؛ بلکه باید به تمایلات افراد برای احساسات خاص هم توجه کنیم.

پرسش دو سوال کلی زیر از مدیران:

چه چیزی شما را شاد می‌کند؟

اگر شاد باشید چه اتفاقی می‌افتد؟

باعث می‌شود به این موضوع توجه کنند که هنگام برخورداری از احساس مورد نظرشان، عملکرد خوبی خواهند داشت. سپس می‌گوییم:

نام سه نفر از مهم‌ترین زیردستان خود را بنویسید. چه چیزی باعث شادی آنها می‌شود؟

مشخص شد که هر کدام از آنها سه نفر از طریق متفاوتی شاد می‌شوند و عامل این شادی هم با آنچه مدیرشان نوشته بود، تفاوت دارد. شناخت این تفاوت، گام نخست در شخصی‌سازی برنامه‌های انگیزشی و بهزیستی است. به این صورت می‌توان با هر کس براساس ویژگی‌های شخصیتی خودش رفتار کرد و کوشید تا همان احساسی را داشته باشد که می‌خواهد.

مدیریت تربیت آموزش وپژوهش پایگاه دریایی بوشهر

دریاکنار
سال دوم
شماره ۱۴
پنجشنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۹۹

پیام تبریک آیت الله صفایی بوشهری به نماینده ولی‌فقیه در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

آیت الله صفایی بوشهری نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر طی پیامی انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین روحانی‌نژاد به سمت نمایندگی ولی فقیه در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی را تبریک گفت.
متن پیام تبریک آیت الله صفایی بوشهری به شرح زیر است:
بسم الله الرحمن الرحیم
محضر مبارک جناب مستطاب حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای روحانی‌نژاد «زید عزه العالی»
نماینده ولی فقیه در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و حساب ۱۰۰ امام (ره)
با سلام، عرض ادب و دعای خیر
بدینوسیله انتصاب شایسته حضرتعالی به نمایندگی مقام معظم رهبری در آن بنیاد را تبریک عرض می نمایم و برای حضرتعالی دعای خیر و موفقیت روزافزون از خداوند متعال خواستارم.
این انتصاب نشان از شایستگی و لیاقت آن جناب و حسن اعتماد مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه ای «دامت برکاته العالیه» و آن جناب دارد.
خداوند متعال در ظهور حضرت بقیة الله الاعظم «روحی فداه» تعجیل بفرماید و به مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه ای «دامت برکاته العالیه» طول عمر با عزت عطا نماید و به حضرتعالی و تمام خدمتگزاران صدیق نظام موفقیت روز افزون عنایت فرماید.
صفایی‌بوشهری
نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر

براي دومين سال پياپي؛ كسب رتبه برتر آموزش فني و حرفه اي در بيست و سومين جشنواره شهيد رجايي استان بوشهر

مدير كل آموزش فني و حرفه اي استان بوشهر گفت: رتبه برتر بيست و سومين جشنواره شهيد رجايي استان بوشهر در گروه علمی ، آموزشی و فرهنگي براي دومين سال پياپي به اداره كل آموزش فنی و حرفه ای رسيد.
عبدالمجيد دراهكي با بيان اينكه جشنواره شهيد رجايي در راستای معرفی دستگاه‌های برتر برگزار می‌شود خاطر نشان كرد: در اين جشنواره دستگاه‌هايی كه خدمات‌رسانی بهتری به جامعه هدف بر اساس شاخص‌های تعيين شده داشته باشند تجليل می‌شود.
وي كارايی، اثربخشی، پاسخگويی را سنجش و ارزيابی دستگاه‌های اجرايی در كسب رتبه برتر دانست و تصريح كرد: شايسته‌سالاری برای انتصاب بانوان توانمند و استفاده از جوانان شايسته در عرصه مديريتی و شفافيت و پاسخگويی به رسانه‌ها از شاخص‌های مهم انتخاب دستگاه‌های اجرايی برتر بوده كه آموزش فنی و حرفه ای حائز بهترين امتيازات در اين بخش ها شده است.
دراهكی با بيان اينكه مجموعه آموزش فنی و حرفه ای در خدمت به مردم استان بوشهر از هيچ تلاشی كوتاهی نخواهد كرد، اظهار كرد :اگر موفقيت و مقامي براي سازمان يا دستگاهي حاصل مي شود نتيجه كار گروهي و همكاري كارمندان خدوم آن دستگاه است
مدير كل آموزش فني و حرفه اي بوشهر بالا بودن شاخص‌هاي آموزش فني وحرفه اي را عامل اصلي انتخاب دستگاه برتر در جشنواره شهيد رجايي دانست و گفت: تلاش براي اجراي اسناد بالادستي، پاسخگويي به مردم ، ساماندهي نيروي انساني ، تهيه امكانات وتجهيزات براي مراكز والكترونيكي نمودن خدمات را از ديگر عوامل كسب رتبه برتر اين اداره كل در جشنواره دانست.
دراهكي ، افزود: با توجه به قرار گرفتن در سال جهش توليد مسئوليت دولت مردان در پيشبرد اهداف نظام و ارتقاي بهره‌وري و بهبود عملكرد بيش از پيش حساس و مهم است، چراكه لازمه رسيدن به اهداف كلان كشور در گروي برنامه‌ريزي صحيح و كاربردي است .

گَپ و گُفت با مسئولین

در مصاحبه با عضو شورای شهر بوشهر عنوان شد؛

جایگاه و مشروعیتم را همیشه مدیون مردم شهرم می دانم

به کوشش:
مهندس
مجتبی تن‌زاده

در این شماره از نشریه دریاکنار سراغ عضو دو دوره شورای اسلامی شهر بوشهر رفتیم تا مختصری از وی و نحوه فعالیت ایشان ارائه نماییم؛ مشروح مصاحبه به شرح ذیل می باشد:

کمی درباره خودتان بگویید، سوابق تحصیلی و شغلی تان در چه زمینه هایی بوده است؟

مهرزاد آسایش هستم
متولد ۱۳۶۲ _ بوشهر
دکتری کامپیوتر دانشگاه فردوسی مشهد
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد

چه شد که تصمیم گرفتید برای شورای شهرتان ثبت نام کنید؟ سابقه فعالیت در چنین زمینه هایی را داشتید؟

سابقه فعالیت در این زمینه را نداشتم اما زمان زیادی بود که به این فکر می‌کردم که می‌توانم در شورای شهر باشم و برنامه‌هایی که برای شهرمان در ذهنم است را پیاده کنم.

فکر می کردید دوره قبل و دوره فعلی به شورا راه پیدا کنید؟

یه اصل رو هیچ وقت در هر جایگاهی باشم فراموش نمیکنم، جایگاه و مشروعیتم را همیشه مدیون مردم شهرم می دانم، در نتیجه از روز اول با توجه به اصلی که بر اون باور دارم با تمام تلاش و توان در پیشبرد اهداف ترسیمی گام بر میدارم و ضمن اینکه سعی میکنم امانت دار خوبی طي اين مدت باشم.

بعد از ورود به شورا در چه بخشی مسئولیت و مشغول به فعالیت هستید؟

ابتدا با توجه به علاقمندی رییس و نایب رییس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و ورزش، عضو کمیسیون عمران، توسعه و شهرسازی، نایب رییس کمیسیون بودجه و برنامه ریزی و اکنون رییس مرکز پژوهش های شورای اسلامی می باشم.

به نظر من و حتی مردم شما عضو محبوب شهر هستید، به نظر خودتان چه چیزی بیشتر از همه باعث شد هم مردم و هم اعضای شورا به شما اعتماد کنند؟

در یک کلام عرض می کنم؛ لطف خدا و اعتماد مردم خوب شهرمان بوشهر.

اکنون شورای شهر بوشهر چه ترکیبی دارد؟

شورای پنجم شورای جوان، تحصیلکرده و متناسب با ابعاد حوزه مدیریت شهری هست هر چند که این تخصص در هم افزایی شورا بکار گرفته نشد.

تا کنون در دوره جاری چند جلسه شورا تشکیل شده است؟

حدودا هر سال ۱۰۰ جلسه تشکیل می شود.

مهمترین برنامه های شورا جهت توسعه شهرستان را اشاره فرمایید؟

با امکان سنجی و مطالعه نیازهای اساسی و اولویت دار هر منطقه و محله شناسایی شده و اولویت های بودجه ای سالانه شناسایی شده و بر همین اساس برنامه ریزی خواهد شد. اما آنچه از این برنامه ریزی حائز اهمیت تر هست اجرای این برنامه توسط شهردار است.

مشکلات توسعه شهری بوشهر را در چه می بینید؟

عدم تحقق مدیریت واحد شهری موضوع مدیریت یکپارچه شهری و تحلیل سیستم مدیریت شهری، جهت رفع موانع و کاستی‌های شهر می‌تواند حائز اهمیت فراوان باشد.

آینده بوشهر را چگونه ارزیابی می کنید؟

باتوجه به نقش آفرینی که شورای شهر در برنامه ریزی، سیاست گذاری و انتخاب فرد کاردان و باتجربه در مدیریت شهری و اجرای مدیریت یکپارچه شهری میتوان به آینده بوشهر یا این کهن دیار را به جایگاه رساند.

ضمن تشکر از حضرتعالی جهت در اختیار گذاشتن وقت مصاحبه با نشریه دریاکنار، بعنوان مطلب آخر بفرمائید برای دراز مدت چه برنامه های در ذهن دارید؟

تشکر از شما و نشریه دریاکنار، بنده اهداف بلند مدت خود را بر پایه مشارکت، شفافیت و اطلاع رسانی، پاسخگویی، قانون مداری و اثر بخشی بنیان گذاری نموده ام و امید آن دارم در مسیر پیش بتوانم مثمر ثمر واقع شوم .

آشپزی

غذای یتیمک

وجیهه بای
مربی و کارشناس
صنایع غذایی
فنی حرفه ای
استان بوشهر

با سلام خدمت خوانندگان محترم نشریه دریا کنار برای این شماره یک غذای گیاهی در نظر گرفتم به‌نام یتیمک که در نقاط مختلف غذاهایی شبیه به این آماده می‌شود و حالا روش جنوبی برای تهیه این غذا به مواد زیر احتیاج داریم لوبیا چشم بلبلی یک پیمانه/ بادمجان ۴ تا ۵ عدد/ پیاز بزرگ۱ عدد /نمک، فلفل و زردچوبه به میزان لازم/ روغن به میزان لازم /
طرز تهیه : آب تمر هندی که حل کردیم در یک دوم لیوان برای آماده کردن این غذا به روش زیر عمل می کنیم ابتدا لوبیا چشم بلبلی را که خیسانده ایم می پزیم پیاز را خرد می کنیم و با روغن سرخ میکنیم بادمجانها راکه از قبل پوست کندیم و در آب نمک گذاشته‌ایم تا تلخی آن بیرون بیاید مکعبی خرد میکنیم و با نمک و فلفل قرمز و زرد چوبه به پیازهای سرخ شده اضافه میکنیم کمی تفت می دهیم و یک استکان آب جوش اضافه میکنیم تا بپزند نصف بسته تمر هندی را که در نصف لیوان آب خیسانده ایم بعد از نیم ساعت از صافی رد می کنیم و به مواد قبلی اضافه میکنیم و اجازه میدهیم با حرارت کم آب اضافه آن گرفته شود غذا آماده است امیدوارم این غذا را در منزل آماده کرده و از خوردن آن لذت ببرید.

داستان کوتاه

دخترک گیسوطلایی

یک ساعتی میشد پای بساط طراحیم چنبره زده بودم مثلا میخواستم طرح جدیدی بزنم هرچه ذهنم را زیر و رو میکردم نبود...طرحی که تا الان رویش کار نکرده بودم نبود...صدای زنگ گوشی مانع از ادامه کنکاش ذهنم شد بی صبرانه دکمه اتصال را لمس کردم تماس برقرار شد سلامش که شنیدم جرقه اش زده شد جرقه ای که مرا پرت می کرد به سال ۱۳۸۳روز گرمی بود بی صبرانه منتظر دیدنش بودم هر دقیقه و ثانیه که می گذشت رویا بافی هایم بیشتر میشد یکبار با چشمهایی به سیاهی شب تصورش میکردم یکبار با چشمهایی به رنگ دریاو موهایی هم رنگ رطب های تازه رسیده مرداد ماه ...بالاخره انتظار تمام شد رسیدم به لحظه ناب دیدنش دلم میلرزید با خودم میگفتم وقتی ببینمش شبیه کدام یک از تصوراتم هست ...دیدمش خواهر کوچولوی دوست داشتنی من مثل هیچ کدام از تصورات من نبود بیشتر شبیه هلوی خوشرنگی با چشمهای تیله ای و موهایی به رنگ آسمان وقت غروب بود ولی برای من هلوی نسبتا بزرگی بود که دست و پا داشت که یک وقتهایی با چشم های تیله ای براقش زل می زد به چشمهایت...بهتراز این ایده نبود مکالمه ام نیمه تمام مانده بودسر سری خداحافظی کردم ساعتها طرح زدم اجرا کردم آخرش رسیدم به دخترک گیسو طلاییم...

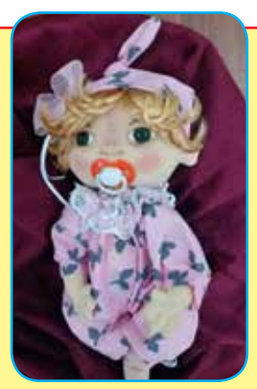

خبر

دکتر محمدحسین امید در نشست رسانه ای:

ثبت‌نام از متقاضیان تحصیل در دانشگاه جامع علمی کاربردی تا ۱۷ مهرماه ۹۹ تمدید شد

دکتر محمدحسین امید رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی از تمدید زمان ثبت نام دوره های کاردانی و کارشناسی(ناپیوسته) این دانشگاه تا ۱۷ مهرماه سال جاری خبر داد.
رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی در جمع خبرنگاران و اصحاب رسانه بیان کرد: در پی شیوع ویروس کرونا و پیشنهاد مراکز آموزش علمی کاربردی، ثبت نام دوره های کاردانی و کارشناسی (ناپیوسته) این دانشگاه تا روز پنج شنبه ۱۷ مهرماه سالجاری ادامه خواهد داشت.
علاقمندان برای آشنایی بیشتر و مطالعه دفترچه راهنما و اطلاع از رشته های تحصیلی دوره های کاردانی و کارشناسی (ناپیوسته) این دانشگاه می توانند به سایت سازمان سنجش به آدرس www.sanjesh.org و یا سایت دانشگاه جامع علمی کاربردی به آدرس www.uast.ac.ir مراجعه کنند.
گفتنی است آخرین اصلاحات مربوط به دفترچه این دوره از ثبت نام دوره کاردانی و کارشناسی (ناپیوسته) دانشگاه جامع علمی کاربردی در درگاه اطلاع رسانی سازمان سنجش آموزش کشور قابل مشاهده می باشد.

پیام رییس دانشگاه خلیج فارس به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

دانشجویانی عزیز ، همکاران ارجمند
باسلام و احترام
سال تحصیلی جدید توام با تولد ماه مهر و دوستی، شروع فصل رنگ ها و آغاز مبارک، میمون و خجسته فصل دانش اندوزی را به همه ی همکاران گرامی و دانشجویان عزیز تبریک عرض می کنم و با نام و یاد ایزدمنان فصل تازه ای از تلاش و کوشش برای ترسیم شکوه جاودانگی را آغاز می کنیم.
سال تحصیلی را در حالی شروع می کنیم که سایه ویروس کرونا هنوز بر فضاهای عمومی سنگینی می کند و اجازه حضور شایسته دانشجویان را از ما گرفته است. در این شرایط سخت سعی شد سال تحصیلی جدید را با خبرهای خوب تاسیس سه دانشکده جدید و ایجاد فضاهای ورزشی شروع کنیم، چرا که کار کردن و امید داشتن در شرایط سخت یکی از باورهای قلبی و ایمانی ماست.
باور ما این است که، سرنوشت این مملکت فقط با دستان پرتوان تک تک ما تغییر می کند و می توانیم آنچه را که لایق و شایسته آنیم بسازیم و برای آیندگان نیز به یادگار بگذاریم، با همین اعتقاد و ایمان قلبی در این دانشگاه رسالتی را برای خود ترسیم و در سند چشم انداز دانشگاه نیز برآن تاکید کرده ایم، تا آنچه شما دانشجویان عزیز و سرمایه های مادی و معنوی ایران بزرگ را به موفقیت می رساند فراهم آوریم، و به همراه هم نام غرورآفرین خلیج فارس را بیش از پیش بلند آوازه کنیم و این مهم میسر نمی شود مگر با همدلی و همراهی همه ی کسانی که دل در گرو پیشرفت، آبادانی و آزادی این سرزمین کهن دارند.
و اما اکنون که از حضور گرم و صمیمی شما که صفا و جلوه ای دیگر به محیط دانشگاه می بخشد، به دلیل شرایط حاکم بر جامعه و فراگیری ویروس کرونا، محرومیم، تمام سعی و تلاش ما این است که شرایطی فراهم شود تا ضمن حفظ سلامت شما، کوچکترین خللی نیز در برنامه های تحصیلی تان به وجود نیاید.
امید است در آینده ای نزدیک شاهد حضور گرم، صمیمی و پرشور شما دانشجویان عزیز در دانشگاه خلیج فارس بوده و از نزدیک حضورتان را جشن گرفته و در مراسمی باشکوه به نظاره بنشینیم.
در پایان از تلاش های همه ی همکاران ارجمند هیات علمی، کارکنان گرانقدر و همراهی دانشجویان گرامی در طول نیمسال گذشته قدردانی می کنم و همدلی ستودنی همه عزیزان که سبب شدند تا بتوانیم در کنار هم سختی هایی که ناخواسته به وجود آمد را پشت سر گذاشته، و نیم سال تحصیلی گذشته را با موفقیت به پایان برسانیم، ارج می گذاریم.
به امید فردای بهتر
عبدالمجید مصلح
رئیس دانشگاه خلیج فارس

ماجراهای آقای نیرنگ زاده

نیرنگ زاده و فرهنگ خلبوس

نویسنده و کاریکاتوریست :
داریوش مهرزادگان

....از بسکه منگه داد و گفت پاشو تا بریم دریا سی خومون شنو کنیم ؛ خیلی وقته نرفتیم ؛ خیط هم میبریم موهی می گیریم که سرم رفت؛ عامو نیرنگ زاده امشو بازی بایرن مونیخنا ؛ کی میره دریا که تو میخوی بری..بیو بشین تا دوپیازه میگو بزنیم که مست بشیاا...اوووفیه دلم داره سیش ضعف میره ؛ نیرنگ زاده بخدا تو عمرت ایی دوپیازه میگو مثه دسته گل زدی تو رگ ؟؟؟؛نخوردی تا بفهمی نه؛ اصن خوراکو باهات گپ میزنه از بسکه قشنگن و لذیذن ..بعد که شوم خوردیم با نیرنگ زاده لباس برداشتیم رفتیم دریا جاتون خالی ؛چقد صدی دریا تو شوو خشن صدی موجای دریا ....ایقد شنو کردیم و ارنک بازی در آوردیم که خسته شدیم دیگه موهی ها و خرچنگاهم صداشو در اومده بید سی مون میگفتن :نمیخوین برین خونه سُخت بیدتون!!....سی واگشتن هم بستنی زدیم که حال اومدیم... اما بگین فرداش چه شد ؟!! خو صب کنین نه می چند ماهه دنیا اومدین ...الان بقیه اش سیتون میگم!!!خدا چیشتون روز بد نبینه اول صبحی داشتم تخم مرغ و تماته ی با نون و پیاز میزدم... و سی خوم با دهنم آهنگ معینم زمزمه می کردم ...حالا یارم بیو دلدارم بیو....که ننم گوشی آورد گفت :بیه نیرنگ زادنا باهات کار داره؛اوقاتم تهل شد دسم گذاشتم رو گوشی گفتم: دی والله نمی تونستی بگی نیسش ...ننم گفت : سی چه اوپیچک می کنیا جواب بچه مردم بدها... هیچ تلفن گذاشتم دم گوشم با غاره گفتم : هاااا چه آزارته اول صبحی اوقاتمون زهر مار می کنی .. نیرنگ زاد گفت : بیو ؛ بیو حرف مفت سی خوت نزن دارم میمیرم بیو تا بریم دکتری؛بیمارستانی...
رفتم با ماشین دم سراشون تا سرما خورده سی محض ایی که دیشو بعد دریا زیر کولر خوسیده بیده ... باهم رفتیم درمانگاه مبعث.. نیرنگ زاده گفت : نه یه وقتی بستریم کنن بگن کرونا دارها..گفتم زهلت نره کرونا از تو زهلش میره ...رفتیم وارد ساختمون مبعث شدیم. وی چه خبر عامو چقد شلوغن...نیرنگ زاده گفت: اینجو خو عامو خلبوسن... تا خوم سالم نشون بدم میترسم همینجو دست وپام رو ببندن ببرنُم...
گفتم زهله سرشونه..رفتیم آخر رو صندلی نشیتیم ..یه ردیفی اوون طرف تر..یه خانم قد بلند کمر باریک موها بلوند از روسریش زده بید بیرون شیکو پیک وایساده بید یه پاییش هم گذاشته بید رو صندلی و با موبایلش داشت گپ میزد!!!!...گفتم نیرنگ زاده سیلش کن ...نیرنگ زاده گفت هاااا چنن ...سیل زن مردم سیچه میکنااا...گفتم عامو سیل پاش کنااا کجا گذاشتنااا...همی ما گفتیم نیرنگ زاده شیطوناش دوبارتی اومدن تو سرش... بلند شد رفت کنار زنک گفت: دده اگه زحمتت نمیشه پات رو صندلیکو بردار...زنک اخماش تو هم کرد گفت:سیچه؟نیرنگ زاده گفت:سی همه چی...یکیش ایی که بچه مردم اینجو میشینن مریض میشن... سی محض ایی که الان ممکنه کرونا چسبیده با کفشت ...تو هم بمالونی به صندلیکو... دیگه زنک آمپر چسپند سیش. و گفت::توعامو بیخود میکنی می صندلی مال بواته.. .می درمونگاه تو قبالت زدن یا داروغه شهر هسی...
خو و خلاص ایسو درسته..یکی ایی می گفت یکی نیرنگ زاده ول کنم نبیدن ... تا بچه های حراست اومدن وسط ...نیرنگ زاده هم بزور نشوندیمش رو صندلی ... گفتم نمی گی شوهرش میاد نفلت میکنه!!! نیرنگ زاده گفت شوهرش کیلو چندنااااا عامو زنه ایطور مو میشناسم شون ...الان شوهرش یه آدم لجمار و چلقسه ایی که مثه بُز از زنک زهلش میره....
خلاصه سرتون درد میارم نیرنگ زاده رو بردیم داخل اتاق دکتر مشت دارُ دوایی و قرصیُو آمپولی سیش نوشت ...اومدیم بیرون از در ساختمون ...جلو در درمونگاه تا زنک و شوهرش ویساده ...ماشالله نه شوهر بید خو ..بگو هرکول...مو که هیچ نکرده بیدم زهلم رفت...نیرنگ زاده ری پس واگشت داخل ساختمون..گفتما کجا ؟؟؟؟.گفت می خوام سی دکتر بگم تا سوزن بی هوشی بزنم... گفتم نه تو بیدی میگفتی :زهلت نره شوهرش مالی نی؟
نیرنگ زاده اخه فرار کرد..نگاهم افتاد تو چیشای شوهر زنک الله اکبر احسنتکم الله ماشالله .بگو پهلوون شاهنامه !!!! منم خو مثه کلبوک تو اوو افتاده..حالا لجم گرفته بید از زنک که لالمونی گرفته.... نمیگه که ایی نبیده..سی خوش شق وایساده بید...و سیلم میکرد..
عامو اومد یقه ما گرفت و چسبوندمون تو دیوار ...ایقد هُی کمک کردم تا مردم بزور تو دس عامو درم آوردن ...
اینم داستان این هفته نیرنگ زاده امیدوارم همتون سالم و سرحال باشین تا هفته دیگه که داستان بعدی رو بخونین ...

دریاکنار
سال دوم
شماره ۱۴
پنجشنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۹۹

سخنی دوستانه با جناب ((سحرخیز)) معاون اسبق وزارت آموزش و پرورش

به قلم:
دکتر لیراوی

اخیرا در اظهار نظرهایی بسیار جذاب و دلنشین در خصوص دفاع از عدالت آموزشی و در پاسخ به یکی از موسسان مدارس و مراکز غیردولتی در سایت‌ها مطالبی را مرور کردم و بنده به عنوان یک فرهنگی بازنشسته که همیشه و در زمان هر وزیری انتظارات کاهش این تبعیض آموزشی را می کشیدم، بسیار مطالب شیوای شما به دلم نشست و با خود گفتم:«جانا سخن از زبان ما می‌گویید. »به ناچار برای اینکه من هم از جرگه ی طرفداران شما و کلام شما در آیم به اظهارات قبل و بعد حضرتعالی در سایت ها مراجعه کردم تا اندیشه ناب و بکر شما را بستایم.

ابتدا دیدم که قبل از اینکه وارد مرحله ی فوق لیسانس از دانشگاه اصفهان شوید، فوق دیپلم علوم تربیتی را از مرکز تربیت معلم همدان اخذ نموده اید. جای امیدواری شد که حتماً قدر معلم و زحمات معلمان و بالاخص نیکوکاران مدرسه دار را خواهید دانست. و بعد سرپرستی شبانه روزی مراکز تربیت معلم و عضو هسته ی گزینش آوپ استان همدان را در کارنامه ی شما ملاحظه کردم امیدوارتر و سپس مروری داشتم بر اظهارات حضرتعالی :

اظهارات شما را از سال ۱۳۹۲ تاکنون با قبل از آن مقایسه کردم:

با استیضاح جناب بطحایی مخالف بودید در ((صدای معلم)) گفته بودید (... اما شخصا به دلایل زیر با استیضاح وزیر مخالفم و مطمئن هستم به فرجام نیز نخواهد رسید...)) ...((جناب بطحایی در مقایسه با کسانی که در پی رسیدن به وزارت بوده و هستند، خیرالموجودین است...)) ((...و نسبت به کسانی که در آغاز دولت دوازدهم خواب وزیر شدن را می‌دیدند،متدین تر با اخلاق ترند....البته به عملکرد ایشان نقد جدی دارم....))

در خصوص جناب فانی چنین اظهار کرده‌اید (جناب فانی بیشتر از شورای معاونان خود لطمه خورد، به نظرم کم و بیش این مسیر در حال تداوم است. ...))

درخصوص وزارت جناب حاج میرزایی در همان ابتدا در پایگاه خبری تحلیلی معلمان ایران ، صدای معلم)) و در انتقاد به گزینه پیشنهادی دولت چنین فرموده اید:

- دولت مطلقا اعتقادی به رشد و بالندگی آموزش و پرورش ندارد.
- دولت روحانی به هیچ قیمتی حاضر نیست با تن دادن به چرخش نخبگان ،شایسته ترین ها را فارغ از حاشیه‌های سیاسی بر صندلی وزارت بنشاند.)).
- چگونه می توان به کسی اعتماد کرد که در سال ها پیش ،آن هم از پس زاویه ی بسته نهضت سوادآموزی از دور دستی بر آتش آموزش و پرورش داشته است .
-فردی که نه دانش درست و در حوزه ایدئولوژیک برخوردار است و نه تجربه مفید و کار آمدی از آموزش و پرورش را در کارنامه خود دارد... .
- وزیر آوپ نمی تواند تنها یک میرزا بنویس ساده باشد...))

و در پی این اظهارات از شما چنین خواندم (اتفاقاً باید در دفاع از کیان و جایگاه امروز آوپ انسانی خلاق ،جسور،شجاع،فکور و اندیشمند، آشنا به چالش‌ها و به دور از حاشیه های سیاسی زمان خود باشد ....))

جناب سحرخیز:

وقتی صدارت شما را در سال‌های ۸۸ تا ۹۲ قبل از این دولت به عنوان معاون آموزش متوسطه در کارنامه ی شما ملاحظه کردم و کارنامه ی عملیاتی حضرتعالی را نیز با این اظهار نظرها مقایسه نمودم ، به تمامی امیدم به یاس تبدیل شد.

زیرا متوجه جهت‌دهی سخنان شما در سایت های مختلف از ۹۲ تاکنون شدم که ذهن خلاق، و منسجم و بی طرفی در پشت آن قرار نگرفته است و مطالب بر اساس اصل بی‌طرفی و دفاع از کیان آموزش و پرورش بیان نگردیده است و در خیلی از موارد اصل تقوا رعایت نشده و جهت و سمت سخن کاملاً سیاسی و تخریب گونه است ، گاهی جناب فانی و گاه جناب بطحایی- منتها با پنبه -و در آخر جناب حاج میرزایی که هنوز کارنامه ای ارائه نکرده بود به باد انتقاد گرفته اید-به جای ارائه راه حل های عملی فقط به سخن بسنده شده است. در اظهار نظر قبل:« وزیر را به دور از حاشیه های سیاسی زمان خود و فردی خلاق – جسور و شجاع و فکور و اندیشمند » خواسته ای. اینجاست که می گوییم « جانا سخن از زبان ما می گویید». آن وزیر کجاست تا ما هم به دنبال ایشان بدویم. و شما اگر می دانید و می شناسیدمعرفی بفرمایید چون در بیانات شما از سال ۹۲ تا کنون هیچکدام به نوعی صلاحیت لازم را نداشته اند و آیا در زمانی که حضرت عالی صدرات و جناب حاج بابایی وزارت را عهده دار بوده اید این ویژگی در شما نمایان بوده است ، چه اثری در نظام آموزش و پرورش را در شجاعت -اندیشمند بودن و فارغ از حاشیه های سیاسی زمان را در شما یا رفقای مورد نظرتان پیدا کنیم. اتفاقا عملیات و اظهارات شما قبل از ۱۳۹۲ و بعد از آن چنین مسیری را برای ما گرا نمی دهد و به اثبات نمی رساند که شما بدون حب و بغض و سیاسی کاری فکر نمی کنید

جناب سحر خیز بزرگوار:

علاقه داشتم به کثرت مطالب شما در سایت های مختلف بر نقد مدارس و مراکز غیر دولتی و عملکرد وزراء و معاونین و نظام فعلی آموزش و پرورش در این تقصیر نا بخشودنی حقایقی را در زمان وزارت هم جناحی خود جناب دکتر حاج بابایی و عملکرد خود حضرتعالی به عنوان یکی از معاونین اصلی وزارت خانه بی طرفانه مشاهده می نمودیم. ولی مشاهده نکردم

البته یادآور بشوم بنده به عنوان یک فرهنگی بازنشسته که منافع و مضراتی از همین روندی که ذکر کردید ، و به عنوان یک ولی دانش آموز عایدمان شده است طرفدار و یا مخالف هیچکدام از این دولت ها نبوده ، بلکه ملزم به تبعید از قانون هستیم و مدینه ی فاضله ای که شما از عدالت آموزشی ترسیم کردید ، مورد نظر و خواست ما هم می باشد. ولی آیا این ایراداتی که بر مدارس و مراکز غیردولتی و یا عملکرد وزراء و آموزش و پرورش فرموده اید فقط مربوط به این چند سال اخیر است یا اینکه شما و دوستان هم پیمان شما هم دستی در آتش این نابسامانی ها داشته اید. اگر قرار باشد ، مسوولان مربوطه بخاطره این کاستی ها ، محاکمه وجدان مردم قرار بگیرند، هر چه مست باشد گیرند.

جناب استاد:

سؤال- مگر مدارس غیردولتی و مراکز غیر دولتی چه گناهی مرتکب شده اند و ۹۹٪ آن ها چه خدماتی برای نظام آموزش و پرورش این کشور که نکرده اند و اگر منظور نظر شما چند درصد مدارس لاکچری است چرا در زمان معاونت شما و ریاست جناب حاج بابایی برخورد نکردید تا این راه راست ادامه یابد و دودش به چشم مدارس و مراکزی نرود که به عشق مدرسه داری و نه انتفاع ، آستین بالا زدند. که میتوانستند در مراکز اقتصادی بیشترین سود را عاید خود کنند و نکردند

-البته جای تعجب را باقی نمی گذارد که همین موضع گیری را جناب حاج بابایی که اکنون رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس است در ۹۶.۱.۱۵ داشته است:

« طرفداران حذف سمپاد ، صاحبان مدارس غیر دولتی هستند». و در جایی دیگر چنین بیان می دارد:« می گویند ۲۰ نوع مدرسه در ایران داریم اما باید بگوییم که ۱۶ نوع آن غیردولتی است و در مدارس دولتی شاهد ، تیزهوشان، هیأت امنایی و دولتی عادی هستیم...»

سؤال اینجاست مگر نه اینکه در دنیا از قبل تا کنون بخش خصوصی و مراکز و مدارس خصوصی مورد حمایت قرار گرفته اند تا هم خدمتی نمایند و هم در ایران به کوچک شدن دولت و برون سپاری که از برنامه‌های نظام است،کمک کنند. پس شما چرا در اصلاح و تلطیف ساختار این مدارس که از اهداف نظام بوده است ، کمک نکردید؟ چرا در ادبیات سخن خود این نوع مراکز غیر دولتی را از جنس دیگری و بیگانه می دانید. و چرا قاطعانه در زمان صدرات و مسئولیت خود راهکار نداده اید و قاطعانه مخالفت نکردید و برای دفاع از آن هزینه نکردید و چرا جلو رانت و رانت خواری ، سینه ی حق طلبانه را سپر نکردید ؟

جناب سحرخیز بزرگوار:

جملات جالبی را در اظهارات شما در پاسخ به نوشته ی یکی از موسسان استان البرز در دفاع از عدالت آموزشی خواندیم ، که واقعاً مدینه فاضله وخواست هر ایرانی است ،البته از زبان مردم عادی نه اینکه مسئولی مثل حضرتعالی با نفوذ آنچنانی در عرصه های مختلف ، که خود نیز کاری از پیش نبرده اید ، باز حرف مردم را بزنید . البته عرض می کنم این اظهارات شما که چیز جدیدی نیستند و غالباً نیاز به تکرار ندارند ، بلکه مردم امروز عمل نیاز دارند .و از این جناح بازیها و تخریب نوبتی خسته شده اند

امثال چنین اظهاراتی از جنابعالی :

_ ...اصل ۱۹ قانون اساسی مردم ایران را از هر قوم و قبیله که باشند برخوردار از حقوق مسلم می داند...

_ مرتضی مطهری : مساوات آن است که امکانات مساوی برای همه افراد فراهم شود.

_ ... مطالعات نشان می‌دهد در طی سالهای اخیر بیشترین شکاف و هزینه بین ثروتمندترین دهک به فقیرترین دهک از جامعه در حوزه آ و پ بوده است که مهمترین آن روند شتابان خصوصی‌سازی و تجاری‌سازی آموزش در ایران است...

اگر به جملات بالای حضرتعالی نظری بیفکنیم ، فکر می‌کنیم که این را کسی گفته که اصلاً خود مسئولیتی در دولتها و وزارتخانه ها نداشته است و اگر داشته است در رفع این مشکلات و موانع قدم‌های بسیار موثری برداشته است . ولی متاسفانه به زودی دریافت نوعی تبلیغات جناحی و سیاسی در ذهن متبادر می‌شود...

_جناب سحرخیز :

ما نه کور کورانه طرفدار این دولت و نه آن دولت بوده و هستیم ، بلکه تابع قواعد نظام و اصلاح ساختاریم. ولی دیگر با این بیانات و اظهارات دلنشین و جذاب فریب نخواهیم خورد . استاد ؛ همه را با یک چوب زدن هم صحیح نیست ، هم مدارس دولتی اشکال دارند و همه مدارس غیر دولتی ، هر کدام در جای خود نیاز به حمایت و اصلاح . هم مدارس غیر دولتی پول می گیرند که البته باید هم برای اداره ی امور بگیرند ، هم مدارس دولتی که البته نباید بگیرند . ما باید با همفکری در اصلاح هر دو کمک کنیم و اگر زورمان هم نمی‌رسد ، چوب ها را بر سر یک دولت خرد نکنیم .

اگر این دولت و این وزیر و این معاونین به زعم شما مقصرند ، قبلی‌ها هم مقصرند (البته مقصر را باید در جای دیگر جستجو کرد) که اینکه یک موضوع و یک یا چند مدرسه را برجسته کنیم و پتکی بر سر بخش خصوصی بزنیم ، منصفانه نخواهد بود . در اظهارات باید منتقد باشیم نه مخالف . متاسفانه اظهارات شما بوی مخالفت و بوی سیاسی و جناح بازی و آماده شدن و زمینه سازی برای اخذ مسئولیت در دولت آینده توسط خود یا دوستان نزدیک شما دارد و نه بوی انتقاد که انتقاد همیشه سازنده و مفید است .

اینکه بگوییم مدارس غیر دولتی بی اشکال اند درست نیست ، و فکر نکنم کسی چنین ادعایی را کرده باشد ، ولی باید بگویم فلسفه وجودی آنها برای نظام آموزشی دارای اشکال برای زمانی که بعد از سالهای ۶۷ و ۶۸ بعد از جنگ که آموزش و پرورش در گل نابسامانی گیر کرده بود آنها تاکنون چه خدمتی کرده اند مهم است ، اینکه مراکز زبان و علمی آزاد در سطح کشور و نقاط محروم در ارتقای کمی و کیفی آموزش و جلوگیری از فرار مغزها و جذب نخبگان چکار کرده اند مهم است

، استاد ! ما هم با شما هم عقیده هستیم و دست کمک می طلبیم که به کمک آن مدارس و مراکز بشتابیم که کاملاً منطقی و غیر انتفاعی فکر می‌کنند و باربردار نظام آموزش و پرورش بوده و هستند .

برادر محترم : از رصد تمام مطالب شما در خبرگزاری مهر _ پایگاه خبری تحلیلی معلمان ایران _ صدای معلم _ عیارآنلاین و ... در خصوص اشکالات نظام آموزش و پرورش در ایران و فاصله از عدالت آموزشی یک جمله ی آخر شما که از ناصرخسرو شاعر گرانقدر میهن نقل نموده‌اید ، کاملاً به دل نشست و پسند آمد که :

از ماست که بر ماست یعنی من و شما مقصریم ، نه من و نه شما ، هر دو.

با احترام
الله کرم لیراوی ، معلم بازنشسته

هلیله زرد و خواص آن

استاد
حمیدرضا جعفری

هلیله زرد نوعی از هلیله است که متوسط و زرد رنگ است . هلیله زرد مصرف درمانی زیادی نسبت به سایر انواع هلیله رادارد و بهترین نوع هلیله زرد خوب رسیده و هسته کوچک و گوشتی آن می باشد. طبیعت آن سرد وخشک می باشد ،هلیله زرد یکی از داروهای بسیار خوب برای مغز و نیروی فکری می باشد، همچنین از بین برنده سرگیجه و درمان کننده بیماری صرع صفراوی می باشد و بهترین دارو برای یرقان و کهیر و جوش های صفراوی می باشد.

حضرت علی علیه السلام درباره مصرف هلیله زرد فرموده‌اند: اگر مردم می‌دانستند که هلیله زرد چه خاصیتی دارد هم وزن طلا از آن خرید می کردند. (خواص هلیله زرد)

طرز استفاده هلیله زرد

میوه هلیله زرد، به شکل تخم مرغ می باشد. جهت مصرف ، ابتدا آن را با آب سرد شسته و هسته را دور می اندازیم و سپس پوست و گوشت آن را مصرف نمایید.

خواص هلیله زرد برای دل پیچه

روش اول :جهت معالجه دل پیچه ۵ گرم هلیله زرد را در آب جوش خیس نموده صبح ناشتا به مدت ۲ روز مصرف گردد.

روش دوم : اندکی پوست هلیله زرد را در روغن گاوی تازه تفت دهید و سپس روغن را با دستمال تمیز گرفته و کمی هم از پوست سخت میوه نارگیل را سوزانده و زغال شود سپس به میزان نیم مثقال از هلیله زرد و یک چهارم مثقال از پوست سوخته نارگیل را قاطی و پودر نموده به مدت سه روز با آب ولرم میل شود پیچش شکم را درمان می نماید.

جهت برطرف شدن ترشی معده بعد از غذا مصرف شود.

همچنین هلیله زرد برای درمان سردردهای صفراوی موثر است . هر شب یک گرم مصرف گردد.

خواص هلیله زرد برای تقویت مغز

هلیله زرد برای تقویت قوای فکری و مغز موثر می باشد، همچنین این گیاه حواس پنجگانه را افزایش داده و مقوی اعصاب می باشد. برای ازدیاد حافظه روزی یک دانه هلیله زرد مصرف گردد. خیسانده هلیله زرد در آب انار ضد تومور مغزی می باشد.

خواص هلیله زرد برای کبد

برای درمان مشکلات کبد مقدار ٤ مثقال هلیله زرد قطعه قطعه شده و خشک شده را در آب جوش ریخته و در ظرف سربسته گذاشته تا خنک شود و به مدت ۴۸ ساعت یا بیشتر خیس بخورد سپس آن را صاف نموده و مایع صاف شده را میل کنیدمانند یک مسهل قوی می باشد . در هنگام مصرف در آن روز نان خورده نشود و غذا به صورت کته یا آش میل گردد.

خواص هلیله زرد برای بینایی

جهت زیاد شدن نور چشم، تقویت بینایی و معالجه بعضی ناراحتی‌های چشم باید ده گرم صبر زرد، ده گرم کندر، ده گرم هلیله زرد و ده گرم از گیاه مسطکی را باهم مخلوط نموده، بعد از صرف ناهار و شام یک گرم از این مخلوط مصرف شود برای رفع سستی چشم و آبریزش آن، می توانید هلیله زرد را همانند سرمه داخل چشم کشید. برای تقویت بینایی مصرف روزانه یک عدد هلیله زرد موثر می باشد. جهت برطرف شدن لکه های سفید چشم پوست هلیله را کوبیده و با کمی گلاب مخلوط شود و هر روز صبح و شب هر بار پنج قطره از آن را با کمی فاصله بوسیله قطره چکان در چشم بریزید.

هلیله زرد و درمان درد مفاصل

جهت درمان دردهای مفصلی، مخصوصا درد آرنج و زانو باید هلیله زرد را به همراه صبر زرد (آلوئه‌ورا) و سورنجان هر کدام به اندازه ده گرم باهم مخلوط نمایید، آسیاب کنید و بعد آن را با گلاب قاطی کنید. خمیر حاصل را را به صورت حبه‌های کوچکی هم اندازه نخود نمایید، روزی سه حبه میل شود.

هلیله زرد و تکرر ادرار

برای درمان تکرار ادرار مخصوصاً در افرد مسن باید هلیله سیاه و زرد، بلوط، قرص کمر و کُندر از هر کدام ۱۰ گرم آسیاب نموده با زرده تخم‌مرغ قاطی کنید با پارچه آب ندیده پهن کرده به مدت ۳ روز به کمر بسته شود.

مضرات هلیله زرد

هلیله زرد را در افرادی که تب دارند نباید استفاده شود. زنان باردار و شیرده در استفاده این گیاه احتیاط کنند و با نظر طبیب سنتی اسلامی میل نمایند.

درآمدی بر گویش بوشهری

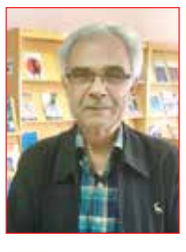

به کوشش:
عبدالحسین
احمدی ریشهری

واژگان بوشهری

چاخته . caxteh : طاقچه را گویند .

چارچلنگ . carceleng : چهار دست و پای کسی را گرفتن و بلند کردن وی را چار چلنگش گرفتن می نامند .

چاس . cas : (پ) همان چاشت است به معنی خوراک ظهر، نهار .

چپل . capal : (ص) کثیف ، چرکین لباس ، کسی که نظافت را رعایت نکند . کسی که همیشه چرکین باشد .

چَپّه. Cappeh : درهم فشرده شده و له شده و مچاله شده – بسته کوچک اسکناس نیز معنی می دهد .

ضرب المثل های بوشهری

هنو منزل سرشومن : (هنوز منزل سرشام است) . کو هنوز ، حالا اوّل کار است ، هنوز خیلی راه را باید طی کنیم تا برسیم ، هنوز سرشب است .

مکّه نخش ، مدینه : (مکّه = خوب نیست ، مدینه) : این نشد ، یکی دیگر – این جا نشد می رود جای دیگر ، اگر این راه و روش برایم خوب نیست ، روش بهتر از آن که هست .

گفتش بیگی که سیت اَندُم : (گفت بگیر که برایت آمدم) . اشاره به وقوع حادثه ناگهانی را دارد : تو جهاز ناکو بودیم و دو سه ساعت دیگر به بحرین نمانده بود – یک مرتبه یک لیمری (لیمر= طوفان سهمگین) گفت بگیر که....

سنگ تو قبرم پیدا شده است : مانع بزرگی در راهم ایجاد شده است . ضرر و اشکال بزرگی برایم پیش آمده است .

ضرب المثل های بوشهری به زبان انگلیسی

به کوشش:
حسین دریانورد

گه تشوم بزنی بوی سوز ازم نمییا
(اگر آتشم بزنی بوی سوختن از من نمیاد.)
Coming after you with both barrel loaded
معادل فارسی: کارد بزنی خونش در نمیاد.

این ضرب المثل کنایه از اوج و شدت عصبانیت فرد است. یعنی در این هنگام نه می توانی نزدیکش شوی و نه می توانی حرفی بر خلاف نظر او بزنی. گاهی این ضرب المثل را برای شخص عصبانی ای به کار می برند ک تمام عصبانیتش را در خودش ریخته و سعی می کند بروز ندهد.

در حال عادی اگر بخواهی به بدن کسی کارد یا چاقو بزنی، حتما خونریزی می کند. اما این ضرب المثل به طور اغراق آمیزی نشان می دهد که اگر همین کارد را به یک فرد عصبانی بزنی خونش در نمی آید چرا که از شدت عصبانیت خونش یکجا جمع شده است.

دلنوشته

رقیه مي دويد در صحرا
نمی رسید به انتها
جا مانده بود از اسرا
ميكرد دنبالش يك سياه
او مي ترسيد با هر نگاه
پناهی نداشت آن بينوا
ظالم غافل از خدا
رسيد بر طفل بی پناه
مي كرد رقيه ناله ها
نزديك نيا ای ظالما
آن شمر از روی جفا
مي زد بر جسمش ضربه ها
آن طفل بی جرم و گناه
گفت با التماس و التجا :
ای شمر بی دين , بي حيا
اينقد مكن برمن جفا
بر من مزن اين ضربه ها
شرمی نما از آن خدا
آن مرد زشت و بدنما
می كرد فرياد و صدا :
ای دختر خرابه ها
شرمی ندارم از خدا
در آن سوی بيابان
عمه(س) نگه داشت كاروان
شد مضطرب ونگران
دويد با آه و فغان
زينب (س) رسيد بر سرزنان
گفت با بغضی بی امان :
بی تاب مشو شيرين زبان
ناله مكن رقيه جان
گفت به عمه
(س) گريه
كنان:
با ناله و نفس
زنان
شمر آمده
دوان دوان
بالای سرم لگد زنان
در اين صحرای سوزان
نيست ديگر تاب و توان
از جفای ظالمان
اين غم ندارد پايان
گفت عمه (س) :
رقيه جان آرام بگير , آرام جان

عليرضا عارف آزاد

من اتفاقی که افتادم
واز دست هیچکس
کاری ساخته نیست
تنهایی به پایم چسبیده است
وبا من در تو قدم می زند
وبا من در فضای ممنوعه ی پارک می نشیند
و همراه کودکان سر می خورد
از چشم عابری
به چشم عابری دیگر

تنهایی هوایی تازه است
که وقت و بی وقت
به صورتم می خورد
گاهی فندکی برایش
روشن می کنم
وبینمان را دود بهم می زند!

فرساعمران

اعجاب سایه

سالهای بسیاری راهش را کج کرده بود تا از ان مسیر ،، عبور نکند،
حتی فکر عبور از ان مسیر برایش به معنای به هم خوردن ارامش ذهنی اش بود!
گاهی هنگام بازگشت از محل کار به خانه و خسته از دادن ها و گرفتن های کار و زندگی ،، با وسوسه ای کوتاه در سرش مواجه میشد: که میتوان از ان دیگر مسیر،،
راه را کوتاه کرد، اما حصارهای محکم وسواس ها و ذهن ترسیده، راه را مسدود کرده بود...
تا به امروز:
اینبار خسته با حمل کیفی پر وزن نبود
شاید حتی خودش هم وزن نداشت،
خیلی هم شاداب و پر انرژی بود . انقدر پر انرژی که چند بار ایستاد و به عقب نگاهی انداخت و لبخند زد، با خوشحالی در درون به خود گفت:
چقدر زود اینبار به اینجا رسید!
و چقدر پر از شعف و شادی است!
نمیدانست اثر کافئین قهوه عصر است و یا استراحت کافی،، فقط میدانست امروز حالش خوبتر است!
از جنسي كه انگار قرار بود اين حال خوب ماندگار شودو انگاری که اصلا هیچ وقت غیر از این حال را تجربه نکرده بوده است!
گاهی ادم از خودش هم به تعجب می افتد، از همه شناختی که منجر به نشناختن ها میشود...
هنوز ایستاده بود و لبخند میزد

یک بار در جایی خوانده بود
گاهی میتوان دست گرمی بر شانه خود هم زد و به خود تایید دوستانه ای هم داد،، از همان تایید دوستانه که فقط خرج دوستان میشود و مصرف شخصی گویا کمتر داشته است!
گامی به عقب برداشت،، نهراسید!
گام بعدی را بلند تر برداشت.
سالها گذشته بود و او مسیر های زیادی را پیموده بود، البته که گاهی هم لغزیده بود ولی باز ایستاده بود!
هزاران ادم را شناخته بود و حتی نشناخته بود و بارهای بی شماری اتفاق جدیدی را در خود شناخته بود و گاهی هم از غریبگی خودش، سخت به تعجب افتاده بود!
پس چرا نباید از مسیر دوم راه را بپیماید؟؟!
قرار بود چه رویداد تازه ای رخ بدهد ، که از ان بیمناک بود!
مگر در تمام این سالها با این انبوه از نا اگاهی ها ،، روبه رو نشده بود؟؟!
حتی شاید در مسیر دوم درخت سبزی باشد که استراحت در زیر سایه اش، تجربه ای شگفت انگیز باشد...
و انتظار مسیری حیرت اور تر از انچه تا کنون سپری کرده است
و از ان زیباتر روبه رویی با وجهی دیگر از خود!!!

مریم حسن بیگی

عمریست بیت اولم
درگیر دوّم میشود
رنگِ غزل در کوچه ی
دلواپسی گُم میشود
انگار سقفی از ریا،
پوشانده شهر عشق را
شور و شعف قربانیِ افکار مردم میشود
باید برای زندگی ، دَرمانِ قطعی چاره کرد
وقتی بهشت آرزو هم نرخ گندُم میشود
در روز، کفرست از می و مستی سخن گفتن
ولـی انگورِ دُزدیده شده،
شب راهی خُم میـشود
هر کس که میبینی
زده یک صورتَک بر چهره اش
کژدُم شده پروانه و پروانه کژدُم میشود

هاله محمودی

تا مرغ عشقم
را سر فتح درختی نیست
دیگر نبود تو برایم
شوربختی نیست
شاه دلم آخر
به درویشی قناعت کرد
رویای او حالا شکوه تاج و تختی نیست
آخر بریدی پشت پایم سر زقوچ ایل
زل می زنی بر جای خالی سلوچ ایل
آسوده ام مثل درختی بعد کوچ ایل
بر گردنم دیگر نشان بند رختی نیست
پایم به رفتن پیش، اما دل در انکار است
ته مانده های سایه ام در چنگ دیوار است
دور و برم وقتی که مانند تو بسیار است
خیلی تو را از یاد بردن کار سختی نیست
می خواستم قسمت کنم با تو جهانم را
یک روز دستم را بگیری بعد جانم را
گفتی نمی فهمی نمی فهمی زبانم را
«ای وابَیْم تا رونِشین خُ سِگِده وَختی نی»ست
بی حوصله دیروز خواندم چند سطرت را
از بین بردم در وجودم نیز عطرت را
حتی نبردم با خودم همراه چترت را
در راه اگرچه سایه ی دار و درختی نیست
مصرع بومی : « از اول صبح تا غروب تصدقت ! زمان زیادی نیست.

ایرج انصاری فرد

دور ترین نقطه ی دنیا هم
که باشم ،
خودم را به آغوشت می
رسانم
«هیچ جا خانه ی خودِ آدم
نمیشود»...

امیرحسین حسین زاده

بارانی ام ،
همیشه پُرم از هوای تو
دارم مجاب می شوم
از گریه های تو
درباورم نبودکه
دور از تو با کسی
تصنیفِ عاشقانه بخوانم ،
بجای تو
ازحال من بجز خودِ من ، نیست باخبر !
از قبل هم شکسته ترم ، من فدای تو
بوییدی و شکستی و چیدی و رد شدی
مانده هنوز دردل من ردِّ پای تو
این شهر کوچک است همه حرف می زنند
پشتِ من و شما وُ از این ماجرای تو
دیریست رفته ای و من آوار گشته ام
کی میرسد به دادِ دل من ، خدای تو
بامن بمان ، کنار تصاویرِ این غزل
تا باز هم ترانه بخوانم برای تو

سپیده ساجدی

سایه ای سرد افکنده
بر در و دیوار شهر!
باید با دل و جان بیاویزم،،،
فانوس گرم
بر هر برگ پیر سپیدار شهر
من چه سردم!
می جویم،،،
خون گرم زیر پوست
و فریادی پرشور بر کوچه دلگیر شهر

فاطمه یارندپور

دریاکنار

صدای پرطنین مردم استان بوشهر

نشریه دریاکنار

صاحب امتیاز: مهندس سید عیسی گلریز
مدیرمسئول: مهندس مهران سلطانی نژاد ۰۹۲۱۱۴۸۷۰۰۹
سردبیر: سهیلا سلطانی زنگلانی
روابط عمومی: فریده ترنج مهرگان
گرافیست: بهار ستایی مختاری
کاریکاتوریست: مهندس داریوش مهرزادگان _ نگار جهانتاب
هیئت تحریریه: دکتر الله کرم لیراوی ، خانم دکتر زهراحسامی، الهام فضلی، حمید رفیعی، مهندس مجتبی تن زاده، حمیدرضا عباسی ، آیدا عالی پور، سیده فاطمه آزمون ، زهره خاکسار، فاطمه شمسی ،فاطمه صالح روشن ،مهندس سیدمحمدحسین هاشمی ، مهندس سیدحسین هاشمی ، ،حسین دریانورد، سعید محمدی فرد
عکاس: الناز رزمجو، فاطمه سلطانی زنگلانی
آدرس شمال: مازندران، بابلسر، بلوار طالقانی، جنب پارک شهرداری
آدرس جنوب: بوشهر ، بلوار شهدای نیروی دریایی
تلفن: ۰۱۱۳۵۳۳۶۹۴۷-۰۷۷۹۱۰۹۰۱۵۶
نمابر: ۰۲۱۸۹۷۸۲۷۹۵-۰۱۱۳۵۳۳۳۲۲۳
پست الکترونیکی: DARYAAKNAR@GMAIL.COM
وب سایت : WWW. DARYAAKNAR.IR
لیتوگرافی و چاپ: جمهوری اسلامی ایران

نشریه دریاکنار @DARYAAKNAR
نشریه ای از جنس سرسبزی شمال
وخونگرمی مردمان جنوب
(مازندران بوشهر)

سال دوم شماره ۱۴ پنجشنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۹۹ ۲۸ محرم ۱۴۴۲ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۰ قیمت ۲۰۰۰ تومان

خوشحالی به چه معناست؟

احسان بهنام فر
بازیگر عرصه کمدی

الهی یهویی دل مهربونتون شاد بشه
الهی یهویی کاراتون درست بشه
الهی آرامش بشینه تو دلاتون
الهی آمین
سلامی به گرمای سوزان آفتاب جنوب تقدیم به شما همراهان و همدلان ارجمند...
همانطور که میدانیم ما انسان ها دارای عواطف و احساسات مختلفی هستیم که در وجودمان نهادینه شده و تو شرایط مختلف روحی و جسمی بروز داده می شوند!
یکی از این عواطف و احساسات مهم درونی ما،حس خوشحالیست؛که در اینجا به تعاریف مختلفی از این مهم می پردازیم:

خوشحالی به چه معناست؟

خوشحالی یعنی توانمندی بالای ما در شکیبایی و استقامت در برابر سختی ها...
خوشحالی یعنی اطمینان درونی به این که درد و رنج و سختی و بیماری و مرگ جزء لاینفک زندگیست، اما هیچکدام از آنها نمی تواند من را از پا در بیاورد...
خوشحالی یعنی میل به زندگی علی رغم علمِ به فانی بودن همه چیز...
خوشحالی یعنی آگاهی از توانمندی بزرگ ما برای به دوش کشیدن مشکلات...
خوشحالی یعنی بعد از هر زمین خوردن همچنان بتوانیم بلند شویم بایستیم و ادامه بدهیم؛ چرا که کسی شکست میخورد که زمین بخورد و دیگر نتواند بلند شود و ادامه بدهد...
خوشحالی یعنی بعد از هر گریه بازهم بتوانیم بخندیم و لبخند بزنیم و به دیگر همنوعان خودمان هم هدیه کنیم...

از کلام ما بر ما حکم می شود

یه عده هستند همیشه بر این باورند که برای ما نمی شود،نمی شود،نمی شود؛یا به قول معروف همیشه آیه یاس میخوانند!
طبق تحقیقات انجام شده، اگر شخصی یک مرتبه به خودش بگوید من نمی توانم، نمی شود و یا از این قبیل افعال منفی دیگر استفاده کند، شخص دیگری می بایست ۱۸ مرتبه به او بگوید تو میتوانی، تو میتوانی، ...تا این که بار و اثر منفی واگویه ای که تنها یک مرتبه گفته شده است را خنثی کند و آن را به صفر برساند!
پس سعی کنیم واگویه های درونی خودمان رو با خودمان مثبت کنیم تا زندگیمان هم روی ریل انرژی مثبت و خوشبختی قرار بگیرد و از افکار و احساسات منفی بدور باشیم.

قانون خلاء ؛

طبق قانون خلاء، اگه دوست داریم عطوفت و مهربانی به درونمان رخنه کند و به ما روی خوش نشان دهد، باید درونی عاری از کینه و نفرت داشته باشیم.
اگه دوست داریم شادی ها و حال خوب زندگی به ما برگردد،باید درون خودمان رو از غم،اندوه ها و احساسات منفی کهنه تخلیه کنیم.
شادی حق هر انسانیست و نباید با وجود مشکلات و چالش های مختلف زندگیمان، باعث کم رنگ شدن آن بشویم و آن را از خودمان سلب کنیم تا یک گوشه دلمان بماند و خاک بخورد و درنهایت منزوی و خدایی ناکرده دل مُرده بشویم!
با خندیدن ثناگوی خدا باشیم، قدر داشته های خودمان را بدانیم و به زندگی روی خوش نشان بدهیم.

خنده صابون ذهن و روان است ؛

همانطور که وقتی احساس کسلی به ما دست میدهد و با یه دوش آب گرم و یا با تفریح و گردش حالمان خوب میشود، و یا وقتی در محل کار با نوشیدن یک لیوان چای رفع خستگی می کنیم و انرژی از دست رفته به ما برمی گردد، خنده نیز صابون ذهن و روان ماست.

ذهن و روان خودمان را حمام ببریم!

به صدف مانم،خنده ام چو مرا در شکند؛
یا به قول مولانا؛باغ شادان ز گل خندان است/خنده آیین خردمندان است.

پیشنهاد ؛

پیشنهاد میکنم، برای یک بار هم که شده امتحان کنیم، و به مشکلات روز مرّه زندگیمان بخندیم و با روی گشاده آن را کوچک جلوه بدهیم!
حتی اگر شده الکی بخندیم! دقیقا آن لحظه احساس خواهیم کرد که آن مشکل و آن چالش ناخودآگاه برایمان کم رنگ و کم رنگ تر می شود!

خندیدن یک قدرت سازنده خداوندی است؛چیزی از این بالاتر؟!

باور داشته باشیم که اگر خنده را جزئی از زندگی خودمان بدانیم و با آن اُنس بگیریم و آن را به باد فراموشی نسپاریم، اطرافیان نیز ما را بیشتر دوست خواهند داشت؛
چرا که فردی خوش اخلاق و با انرژی مثبت به نظر خواهیم رسید.کما این که اگر فردی بد اخلاق و اخمو باشیم، باعث می شویم انرژی منفی از خودمان ساطع کنیم و از دید اطرافیان فردی نچسب خواهیم بود و کسی هم ازما خوشش نمی آید؛
چرا که چیزی نداریم که آن را به سمت خودمان جلب کنیم!
در پایان بی نهایت از همراهی شما سپاسگزارم، شاد و سربلند باشید...
خداوند یار و نگهدار شما.

فن بیان

زبان بدن در مذاکره

سعید محمدی فرد
مدرس و مشاور ارتباطات و سخنوری

سلام سلام سلام خدمت دوستان هدفمند و پرانرژی امیدوارم لحظات شاد و باشکوهی رو سپری کنید و از شر هرچی ویروس و مریضی و بیماری در امان باشید
در ادامه مبحث زبان بدن یا (تنگفت)که در چاپ نسخه قبل مجله دریاکنار مورد بحث قرار گرفت
امروز بر آنیم تا نکاتی را راجع به زبان بدن در مذاکرات خدمت شما خوبان ارائه کنیم.
همانطور که گفتیم بخش اصلی و مهم ارتباطات و عنصر اصلی ،همین زبان بدن است و این علائم بدنی همواره نسبت به ارتباطات کلامی ارجحیت دارد.

تقدم زبان بدن در ارتباط کلامی در دیدارها و جلسات:

حتما به این نکته توجه کرده اید که وقتی فردی در یک مهمانی یا در جلسه یا خیابان و محیط کار میبینید ارتباط غیرکلامی در قالب زبان بدن پیش از ارتباط کلامی آغاز میشود شما به شیوه حرکت کردن فرد ،حالت چهره اش هنگام نگاه کردن و میل یا بی میلی او به دست دادن توجه می‌کنید همچین میکوشد با استفاده از ارتباط چشمی حدس بزنید فضای احساسی حاکم بر گفتگو چگونه خواهد بود
بعد از ردوبدل شدن تمام این پیام ها و شکل‌گیری پیش فرض ها ی ارتباطی تازه نخستین ارتباط کلامی شکل می‌گیرد

اهمیت و ضرورت زبان بدن در مذاکرات:

ما با حالات بدنی خود،محل قرار گرفتن دست و پاهایمان،ژست ها،تماس چشمی،لبخند زدن،گزیدن لب ها،تماس دست ها با صورت،نگاه کردن به سمت بالا و پایین و اطراف،تکان دادن سر و گارد باز و بسته خود پیام های مختلفی را به طرف مقابل ارسال میکنیم در طرف مقابل مخاطب هم با زبان بدن و علائم غیرکلامی خود خواسته یا ناخواسته پیام هایی را برای ما ارسال میکند
اهمیت زبان بدن در مذاکرات از آنجا ریشه میگیرد که ما انسان ها عموماً هنگام مشاهده تناقض بین زبان بدن و گفتار طرف مقابل ترجیح میدهیم به زبان بدن او اعتماد کنیم .

ارتباط چشمی و زبان چشم ها:

می‌گویند چشم قسمتی از مغز است که با استخوان پوشیده نشده است
این استعاره چندان هم از واقعیت دور نیست بخش عمده ای از پیام های غیرکلامی را از طریق چشم ها ارسال و دریافت می‌کنیم به همین علت بخش مهمی از آموزش زبان بدن و علائم چهره به آموزش زبان چشم هاو ارتباط چشمی اختصاص می یابد

علائم چهره در مذاکره:

در میان حالات بدنی که در زبان بدن مورد بحث قرار میگیرد چهره وعلائم چهره از جایگاه ویژه ای برخوردار است
این جایگاه به این علت است که چهره جز ء معدود بخش هایی از بدن است که تقریباً تمام تحقیقات روز دنیا تاکید می‌کنند که جنبه های فرهنگی و تربیتی کمتری دارد و بخش زیادی از علائم چهره توسط غریزه شکل می‌گیرد علائم چهره در مذاکره را میتوان از پلک زدن،گزیدن لب ها تا منقبض شدن ماهیچه های بالا چشم و انقباض مردمک ها و حالات مختلف لب ها و ابروها برای درک بهتر شرایط لحظه ای مخاطب و حالات مختلف او مثل شادی،غم،اضطراب، استرس و خشم و..... مورد توجه قرار داد

زبان دست ها :

در ادامه به مهمترین حالت های زبان بدن مرتبط با دست ها اشاره خواهیم کرد.
حتما بارها و بارها این جمله را شنیدیم که « قدرت در دستان شماست»ین جمله بیانگر این است که دست های ما می‌تواند منشأ انتقال قدرت به مخاطب یا مخاطبان ما باشد
کف دست به هر سمتی که باشد(بالا یا پایین)تفسیر و تحلیل خاص خود را دارد هیتلر فرمانده و رهبر نازی ها برای سلام نظامی و انتقال قدرت خود به زیر دستان دستها را رو به جلو باز میکرد درحالیکه کف دست رو به پایین بود بااین مثال متوجه میشویم کف دست رو به پایین در زبان بدن به معنی قدرت،اجبار و زور است پس هنگام دست دادن در مذاکرات میتوانیم با این روش اعلام قدرت کنیم.
یا اگر کسی هنگام دست دادن دست ها را به گونه ای نگه داشت که کف دست ما رو به بالا و کف دست خودش رو به پایین باشد این فرد قصد دارد که به ما بفهماند از جایگاه برتری برخوردار است کف دست ها اگر رو به بالا باشد یعنی پذیرش قدرت طرف مقابل یعنی

پذیرفتن برتری شخص مقابل

به همین دلیل است که وقتی مهمانی به خانه ما می آید ما با کف دست رو به بالا (مثل راهنمایی برای نشستن)استفاده میکنیم.

کف دست اگر رو به مخاطب باشد به چه معناست؟

یکی از پرکاربردترین علائم در زبان بدن مربوط به همین حالت دست است که به معنی تسلیم و صداقت و یک رنگی است
امام خمینی «ره «رهبر کبیر عزیز انقلابمان وقتی در مقابل انبوه مردم عاشق قرار می‌گرفت با نشان دادن کف دست وتکان دادن دست ها صداقت و یک رنگی وپاک بودن را به مردم القا میکرد و همین امر در پذیرش ایشان نقش بسیار مهمی را ایفا می کرد.
دست های مشت شده در زبان بدن معمولا نشان دهنده خشم و عصبانیت است چنین حالتی میتواند زمانی رخ دهد که فرد آماده درگیری است

لمس کردن بینی و گوش ؛ معمولاً زمانی اتفاق می افتد ک اتفاقی منفی برای طرف مقابل در مذاکره به وقوع پیوسته است

لمس کردن چانه؛اگر دست ها روی چانه قرار بگیرد نشانه تفکر و ارزیابی موضوع است اما اگر وزن سر روی دست ها قرار گرفت نشانه خستگی و بی رمقی و بی حوصلگی است

ضربه زدن با دست : اگر فرد هنگام مذاکره با دست های خود روی میز یا دسته صندلی ،... ضرب می گیرد و با سرعت زیاد این کار تکرار میشود نشانه استرس و یا بی حوصلگی است
مقاله ای دیگر را باهم به پایان رساندیم امیدوارم نکات ذکرشده بتواند در زندگی شما تحولی نو وجدید را به همراه داشته باشد و شما بتوانید از این داده ها استفاده موثری ببرید
در چاپ های بعد باز هم از دنیای جذاب زبان بدن برایتان خواهیم گفت
خدانگهدار

برنامه ۵ ساله توسعه کشور چیست ؟ چگونه میتوانم استفاده کنم ؟

دکتر عبدالله نجم
دکترای حرفه ایی دامپزشکی

بخش ۷- کشاورزی

ماده ۳۱- دولت موظف است برای حصول اهداف بندهای ششم و هفتم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در جهت تأمین امنیت غذایی و نیل به خودکفایی در محصولات اساسی زراعی، دامی و آبزی به میزان نود و پنج‌درصد(۹۵٪) درپایان اجرای قانون برنامه و افزایش تولیدات کشاورزی به‌ویژه محصولات دارای مزیت صادراتی، رسیدن به تراز تجاری مثبت، تقویت و تکمیل زنجیره‌های تولید و توسعه صادرات و ارتقای بهره‌وری آب و خاک کشاورزی اقدامات زیر را جهت حصول به شاخص‌های کمی به شرح مندرج در جداول ذیل انجام دهد:
الف- توسعه کشاورزی حفاظتی، توسعه کشت نشایی، به‌نژادی و به‌زراعی، تولید و تأمین و به‌کارگیری ارقام مقاوم، خوداتکایی در تولید بذر و نهال، افزایش ضریب ماشینی کردن سالانه حداقل دوازده‌صدم (۰/۱۲) اسب بخار در هکتار
ب- انجام به موقع خرید تضمینی محصولات کشاورزی و درصورت وقفه در پرداخت خرید تضمینی، پرداخت مطابق تبصره بند (الف) ماده (۱۰) این قانون به‌عنوان جبران خسارت ناشی از تأخیر در نظام بانکی. در طول اجرای قانون برنامه، بند (ب) ماده (۳۱)، قانون تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی مصوب ۱۳٦۸/٦/۲۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی را در بخش مغایرت موقوف‌الاجراءمی‌نماید.
پ- افزایش تولید محصولات راهبردی و تبدیل پانصد هزار هکتار از اراضی شیبدار به باغات
ت- فراهم نمودن امکانات مصرف بهینه سموم ، دفع آفات نباتی و کودهای شیمیایی و استفاده بیشتر از کود آلی(کمپوست) و مبارزه زیستی و تدوین ضوابط ورود ، ساخت و ترکیب ساخت (فرمولاسیون) کود و سم
ث- سرمایه‌گذاری مورد نیاز جهت انجام امور تحقیقاتی و نظام نوین ترویج و انتقال فناوری، تقویت شرکتهای دانش‌بنیان، استقرار مدیریت دانش و تجهیز مراکز جهادکشاورزی
ج- توسعه کشت محصولات سالم و محصولات زیستی (ارگانیک)، اعمال استانداردهای ملی کنترل کیفی تولیدات و فرآورده‌های کشاورزی گسترش مبارزه تلفیقی با آفات و بیماری‌های گیاهی، مصرف بهینه نهاده‌ها از جمله انواع سم و کود و حمایت از درمانگاههای گیاه‌پزشکی در راستای ارتقای سلامت انسان و جامعه
چ- ممنوعیت هرگونه رهاسازی، تولید، واردات و مصرف محصولات تراریخته، در چهارچوب قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸/۵/۷ با رعایت مقررات و موازین ملی و بین‌المللی که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.
تبصره- دولت موظف است اقدام لازم برای آزمایش مواد غذایی وارداتی و فرآورده‌های غذایی وارداتی را جهت تشخیص مواد تراریخته به‌عمل آورد و با اطلاع‌رسانی مردم را از مواد غذایی تراریخته با خبر ساخته و خطرات احتمالی این مواد را که بر اساس آزمایشات معتبر معلوم می‌شود به مردم اعلام نماید.
خ- انجام ایمن‌سازی (واکسیناسیون) دامهای سبک و سنگین و پرداخت یارانه مورد نیاز آنها مطابق قانون بودجه سالانه
د- راه‌اندازی زیرساخت شناسه‌گذاری، بارنامه الکترونیکی و رهگیری کالا و نهاده کشاورزی و دامی صنعتی و نیمه‌صنعتی تا رسیدن به مصرف‌کننده نهائی در روزآمد کردن شناسه این کالاها
تبصره- وزارت جهاد کشاورزی، فهرست کالاهای مشمول این بند را اعلام می‌نماید.
ذ- حمایت از توسعه ظرفیت صادراتی صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی مانند کارخانجات خوراک دام، طیور و آبزیان و صنایع بسته‌بندی محصولات کشاورزی با توجه به مزیتهای طبیعی، نسبی و رقابتی این صنایع
ر- تکمیل زنجیره تولید محصولات کشاورزی از طریق اعطای کمکهای فنی-اعتباری به تشکلهای فراگیر کشاورزی و روستایی
ز- دولت مکلف است برای حصول شاخص‌های معین‌شده در جداول ذیل در جهت امنیت غذایی، سلامت و غنی‌سازی محصولات کشاورزی و توسعه صنایع کشاورزی در زنجیره‌های عرضه، اقدام کند.
ماده ۳۲
الف- به منظور کاهش التهابات بازار، کالاهای اساسی کشاورزی و کاهش نوسان غیرعادی فصلی محصولات کشاورزی و به‌منظور کاهش بار مالی دولت برای تأمین نقدینگی در گردش و هزینه تبعی مورد استفاده در سیاست‌های تنظیم بازار و تأمین ذخایر محصولات راهبردی (استراتژیک)، شرکت بازرگانی دولتی ایران یا هریک از شرکتهای دولتی مسؤول تنظیم بازار هر محصول به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی، حسب مورد، براساس برآوردهای ماهانه، فصلی و سالانه عرضه داخلی و تقاضای هر یک از محصولات، نسبت به اتخاذ موقعیت مناسب خرید یا فروش در قراردادهای سلف و ابزارهای مالی موضوع بند(۲٤) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸٤/۹/۱ بر روی هر یک از دارایی‌های مشمول صدر این بند در چهارچوب مقررات بازار سرمایه اقدام می‌نمایند.
ب- دولت مکلف است اقدامات ذیل را به‌عمل آورد:
۱- ایجاد ردیف مستقل پرداخت خسارت به بیمه‌گذاران محصولات کشاورزی و صندوق بیمه کشاورزی در لوایح بودجه سالانه و پیش‌بینی اعتبار به‌صورت صددرصد(۱۰۰٪) تخصیص یافته درطول اجرای قانون برنامه
۲- اصلاح و بهبود خاک کشاورزی و افزایش کربن (ماده آلی) خاک به میزان سالانه پانصدهزار هکتار
۳- ارائه کمکهای فنی و اعتباری برای نوسازی باغهای فرسوده کشور
٤- اختصاص معادل ریالی ده‌درصد(۱۰٪) ورودی سالانه صندوق توسعه ملی نزد بانک عامل مطابق ضوابط صندوق جهت پرداخت تسهیلات به متقاضیان غیردولتی سرمایه‌گذار بخش کشاورزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی این بخش، محیط زیست مرتبط با بخش کشاورزی و منابع طبیعی و احداث بندهای انحرافی و سدهای کوچک مطابق بند (٤-۱۰) سیاست‌های کلی برنامه ششم و در چهارچوب اساسنامه صندوق توسعه ملی
ماده ۳۳- دولت مکلف است در اجرای بندهای سوم و ششم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و به‌منظور متنوع سازی ابزارهای حمایت از بخش کشاورزی، تأمین و تجهیز منابع، توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری، افزایش صادرات محصولات کشاورزی و ارزش‌افزایی و تکمیل زنجیره ارزش محصولات کشاورزی اقدامات ذیل را به انجام‌برساند:
الف- ایجاد زمینه گسترش و تکمیل زنجیره‌های ارزش، صنایع‌تبدیلی، تکمیلی و نگهداری محصولات اساسی کشاورزی در قطبهای تولیدی، سردخانه و انبارهای فنی چندمنظوره
ب- تخصیص حداقل بیست درصد(۲۰٪) منابع صندوق‌های حمایت از بخش کشاورزی جهت تسهیلات برای صادرات این بخش
پ- ایجاد خوشه‌های صادراتی، نشانهای تجاری و اختصاص مشوق‌های صادراتی به صادرات محصولات کشاورزی
تبصره- دولت مکلف است مابه‌التفاوت قیمت تولید داخل با قیمت کالای کشاورزی در بازارهای هدف را سالانه به‌عنوان مشوق‌های صادراتی محاسبه و از منابع هدفمندی یارانه‌ها پرداخت نماید. وزارت جهادکشاورزی مقررات تعیین کالاهای مشمول این بند و پرداخت مابه‌التفاوت را تهیه نموده و به تصویب هیأت وزیران می‌رساند.
ت- کاهش حداقل ده درصدی(۱۰٪) شکاف قیمت دریافتی تولیدکنندگان و قیمت پرداختی مصرف کنندگان نهائی این محصولات درطول اجرای قانون برنامه
ث- پوشش بیمه اجباری کلیه دامها در مقابل بیماری‌های مشترک و واگیردار، پرداخت حداقل پنجاه‌درصد(۵۰٪) سهم بیمه‌گر توسط دولت و اجرای برنامه حذف دام در کانون‌های آلوده پس از پیش‌بینی در بودجه سنواتی
ج- افزایش سرمایه صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی به هفت‌درصد(۷٪) از ارزش سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی و افزایش سرمایه بانک کشاورزی مطابق با استانداردهای بین‌المللی از محل فروش املاک مازاد وزارت جهاد کشاورزی و بازپرداخت تسهیلات پرداخت‌شده از محل حساب ذخیره ارزی و سهم دولت در قالب بودجه سنواتی
چ- افزایش سهم سرمایه‌گذاری در بخش‌کشاورزی در کل سرمایه‌گذاری‌ها به میزان سالانه حداقل دودرصد(۲٪)
ح- ارتقای سطح کلی حمایت از کشاورزی، سالانه تا دو درصد (۲٪) ارزش تولید این بخش
خ- بخشودگی سود و کارمزد و جریمه وامهای دریافتی کشاورزان خسارت‌دیده از حوادث غیرمترقبه و امهال اصل وام آنان به مدت سه سال و تعیین میزان خسارت توسط کارگروهی متشکل از جهاد کشاورزی، بانک مربوطه و فرمانداری‌شهرستان
د- تولید و پخش برنامه‌های آموزشی، ترویجی، مدیریت مصرف آب، بهبود کمی و کیفی محصولات کشاورزی و فرآوری تولیدات، حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی کشور، بهره وری و انتقال یافته‌های علمی به بهره برداران، به سفارش و تأمین مالی وزارت جهاد کشاورزی توسط سازمان صدا و سیما
ذ- اختصاص حداقل پانزده درصد (۱۵٪) از متوسط تسهیلات اعطایی بانکهای عامل غیرتخصصی کشور به بخش‌کشاورزی
ر- مراحل بسته‌بندی، انجماد، پاک کردن، درجه‌بندی، پوست‌گیری مانند شالی‌کوبی و خشک کردن مانند چای و تفت دادن مانند نخودپزی، فرآوری محصولات کشاورزی محسوب‌نمی‌شود.
خدمات مزبور، از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف می‌باشد.
ماده ۳٤- کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که به نحوی در امور تولید، پرورش، نگاهداری، توزیع، حمل و نقل، عرضه، فروش دام زنده و نیز استحصال، تهیه، عمل‌آوری، جمع‌آوری، نگهداری، بسته‌بندی، توزیع، حمل و نقل فرآورده‌های با منشأ دامی و همچنین خوراک دام فعالیت دارند، درصورت تخطی از اجرای ضوابط و مقررات بهداشتی به تشخیص سازمان دامپزشکی کشور یا عدم به‌کارگیری مسؤول فنی بهداشتی با رأی دادگاه صالح متعهد به پرداخت خسارت وارده به مصرف‌کنندگان اقلام غیربهداشتی یا ناسالم می‌باشند. مسؤولان فنی بهداشتی براساس شرح وظایف ابلاغی از سوی سازمان دامپزشکی کشور به شرط سببیت در صورت قصور یا تقصیر مسؤول می‌باشند.
تبصره- آیین‌نامه اجرائی این‌ماده به پیشنهاد مشترک وزارت جهادکشاورزی (سازمان دامپزشکی کشور)، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.
با توجه به حضور ٤ نماینده مجلس از بوشهر ، انتظار میرود در جهت ارتباط گیری هرچه بیشتر مسئولین با مردم و آگاه سازی بیش از بیش همشهری های عزیز از قوانین موجود و طریقه بهره گیری از چنین مواردی ، لازم است کانال های ارتباطی سهل الوصولی در اختیار هم وطنان عزیز بوشهری قرار بگیرد .

جلسه کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی با دستور کار پروژه راه آهن بوشهر - شیراز

کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی میزبان جمعی از نمایندگان و مدیران ارشد استانهای بوشهر و فارس بود و موضوع پروژه راه آهن بوشهر - شیراز در این کمیسیون بررسی شد.
در این جلسه استاندار و رییس مجمع نمایندگان و رییس سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر ، استاندار و شماری از نمایندگان استان فارس در مجلس و تعدادی از مدیران عامل بانک ها حضور داشتند.

آیا از نظر قانون اکراه همان اجبار است؟

امیرحسین حسین زاده
لیسانس حقوق

بسیاری از مردم اکراه و اجبار را در یک معنا به کار می برند و اجبار را نوعی اکراه قلمداد می‌کنند اما این دو تفاوت هایی دارند
نخست
در اکراه رفتار مرتکب جرم بوده و فقط بحث مسئولیت کیفری منتفی است و از اینرو ضمان مدنی و دیه به قوت خود باقی است اما در اجبار اساسا جرمی محقق نشده و بنابر این ضمان مالی هم منتفی است
دوم
اکراه مجوز قتل عمدی نیست و شخصی که در نتیجه اکراه مرتکب قتل عمدی شده است به قصاص محکوم می شود اما در مجبور به دلیل فقدان اراده اساسا قتل را نمی توان به فرد منتسب کرد.
سوم
اکراه از سوی انسان محقق می شود اما اجبار لزوما از سوی انسان تحقق نمی‌یابد و سایر علل قهری _ سیل طوفان..._ ممکن است زمینه ساز جبر باشند.

۲۷ شهریور؛ روز شعر و ادب پارسی و روز بزرگداشت استاد شهریار

در تقویم ایرانی ۲۷ شهریور ماه هم زمان با سالروز درگذشت محمد حسین بهجت تبریزی و بزرگداشت شاعر حیدربابایه سلام و آمدی جانم به قربانت متخلص به شهریار، روز شعر و ادب پارسی نامیده می‌شود.
سید محمدحسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار، سال ۱۲۸۵ هجری شمسی به دنیا آمد. او اهل تبریز بود و به زبان‌های ترکی آذربایجانی و فارسی شعر سروده است. مهم‌ترین اثر شهریار منظومه حیدربابایه سلام (سلام به حیدربابا) است که از شاهکارهای ادبیات ترکی آذربایجانی به‌شمار می‌رود و شاعر در آن از اصالت و زیبایی‌های روستا یاد کرده است. این مجموعه در میان اشعار مدرن قرار گرفته و به بیش از ۸۰ زبان زندهٔ دنیا ترجمه شده است. سالروز درگذشت شهریار، با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، روز ملی شعر و ادب پارسی، نامیده شده است.